

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بیل وون اوکن Bill Van Auken

برگردان از: حمید محوی

۰۶ اپریل ۲۰۱۲

کلاهبرداری و اشینگتن در رابطه با «حقوق بشر»



وزیر امور خارجه آمریکا هیلری کلینتن اخیراً در مصاحبه ای با مجله اکونومیست گفت: «فکر می کنم که ما در دوران تاریخی خوبی زندگی می کنیم، و در کنار آنهایی قرار داریم که از آزادی، دموکراسی، حقوق بشر جهان شمول الهام می گیرند.» و در توصیف نقش و اشینگتن در جهان، اضافه کرد: «ما ایستاده ایم و می گوئیم که ما طرفدار تمام ارزش های جهانی هستیم، یعنی ارزش هایی که با ارزش های امریکائی هم خوانی دارد.»

چنین بینشی، یعنی نقش ایالات متحده در جهان به عنوان پشتیبان آزادی و صادر کننده «ارزش های امریکائی» که در واقع «ارزش های جهانی» هستند، موضوع تازه ای نیست.

این نظریات به نخستین گام های امپریالیسم امریکا و جنگ اسپانیا - امریکا در پایان قرن نوزدهم بازمی گردد [یعنی وقتی که اسپانیا کوبا، فیلیپین و پورتوریکو را از دست داد].

امروز همین نظریات، مانند گذشته، در خدمت پوشش ایدئولوژیک نظام یافته برای برپا کردن جنگ به هدف تسخیر کشورها، کودتا و اعمال فشار برای تأمین منافع سرمایه های مالی امریکا به کار برده می شود.

همان گونه که لئون تروتسکی انقلابی روس در سال ۱۹۲۴ با شور و حرارت می نویسد: «امریکا همیشه در حال آزاد کردن یک نفر است و این کار به نوعی حرفه این کشور است.»

هفته گذشته، دولت اوباما از «حقوق بشر» به عنوان بهانه برای تداوم جنگ داخلی در سوریه که هدف آن تعویض رژیم می باشد، و به عنوان اصل و اساس قانونی برای تدارک جنگ علیه ایران، و به همین گونه به عنوان توجیه افزایش تنش با کره شمالی و چین استفاده کرد.

موضع گیری قهرمان حقوق بشر جهان شمول توسط دولت امریکا یک کلاهبرداری شگفت انگیز است. موج بیانیه های تحریک آمیز درباره نقض آزادی و دموکراسی در این و یا آن کشور، بی گمان در ریاکاری هائی شناور است که باید آن را بازشناسی کنیم.

در این مورد می توانیم سوریه را از نزدیک مورد بررسی قرار دهیم. واشینگتن در تلاش هایش برای سرنگون ساختن رژیم اسد و جایگزین ساختن آن توسط یک رژیم قابل قبول تر در دمشق، که ضد ایرانی باشد، با ترکیه همکاری های نزدیک دارد. به اساس گزارشی که در نیویورک تایمز منتشر شده، دو کشور هم کاری هائی را برای ارسال کمک «دفاع از خود» (سلاح هائی که استفاده تجاوزکارانه نداشته باشد) به گروه های «شورش» مسلح که به عملیات تروریستی متعددی در کشور دست زده اند، متعهد شده اند.

ترکیه با داعیه مدافع حقوق بشر در سوریه به میدان آمده، ولی از سوی دیگر اختناق خونباری را علیه کردهای ترکیه اعمال کرده است، یعنی اقلیتی که ۲۰ درصد جمعیت ترکیه را تشکیل می دهد. هواپیماهای جنگی ترکیه علیه اردوگاه هائی که به گروه هائی جدائی طلب کرد، پ کاکا، نسبت داده می شود بمبارانهای متعددی را به اجراء گذاشته و در این بمباران ها دائما غیر نظامیان را به قتل رسانده است. پولیس ترکیه تظاهرات توده ئی در هفته گذشته به مناسبت نوروز را با گاز اشک آور و لوله فشار آب و باتون سرکوب کرد. ۴۰۰۰۰ نفر از سال ۱۹۸۴ جان خود را طی منازعات از دست داده اند، ولی واشینگتن در مورد کردها ابراز نگرانی نکرده است.

یکی دیگر از متحدان ایالات متحده در جنگ صلیبی برای حقوق بشر در سوریه، عربستان سعودی است که به اتفاق قطر، برای گروه هائی مانند ارتش آزاد سوریه و شورای ملی سوریه، پول و اسلحه می فرستند. با وجود ابراز تأسف در مورد سوریه، رژیم سلطنتی مستبد سعودی، متحد پر اهمیت ایالات متحده و بزرگترین تولید کننده نفت در جهان، ناآرامی های داخلی کشور خودش را در بخش شرقی با اکثریت شیعه را باخسونس تمام سرکوب کرده است. مفتی سعودی، رهبر قدرتمند دستگاه مذهبی اخیرا فتوائی صادر کرده که بر اساس آن هر فردی که با رژیم مخالفت کند، گردن زده خواهد شد. پیش از این اعلام کرده بود که شورشیان شیعه به صلیب کشیده خواهند شد.

در بحرین، کشور همسایه که میزبان پنجمین ناوگان نیروی دریائی امریکا می باشد، رژیم سعودی، به پشتیبانی واشینگتن، جنبش اعتراضی مردم را که علیه حاکمیت دیکتاتوری سنی مذهب به پا خاسته بود، و تبعیضی که در

مورد اکثریت جمعیت شیعه مذهب بحرین اعمال می کند، به سختی سرکوب کرد. بی فایده است که بگوئیم ارزش های جهان شمول امریکا در آن جا رواج دارد.

در این مدت، شورای نظامی مصر به فشارها و اختناق خشونت بارش ادامه داده و کلینتن یادآوری کرده است که منافع امنیت ملی ایالات متحده برای پاسخ گوئی به شرایط کنگره در اعطای کمک های نظامی به مصر، یعنی به شرطی که شواهدی دال بر پیشرفت دموکراسی وجود داشته باشد. چنین امری به معنای ارسال یک میلیارد و سیصد میلیون دلار برای دستگاه سرکوب کشور. نمایندگان دولت به سادگی پذیرفتند که سودهای شرکت هائی مانند ژنرال دینامیک، و لاکهید مارتین، که این کمک در حساب آنها بوده، و سرانجام دورادور ارزش «جهان شمول» دارند.

اگر چنین تعهدی در رابطه با حقوق بشر واقعا جهان شمول می بود، انتظار داشتیم که چنین امری در مورد کشورهای مجاور و نزدیکتر به شکل قویتری تجلی کند. با این وجود، هندوراس، نمونه بارزی از حقیر شماردن حقوق بنیادی توسط واشینگتن است که از مدت ها پیش به عنوان «حیاط خلوت» خود معرفی می کرد.

با پشتیبانی از کودتای نظامی که دولت رئیس جمهور مانوئل زلایا را در سال ۲۰۰۹ سرنگون کرد، دولت اوپاما از کشتارها، شکنجه، زندانی کردن اختیاری افراد و حملات خشونت بار علیه دهقانان فقیر، روزنامه نگاران، فعالان حقوق بشر و کارگران، توسط رژیم چشم پوشی کرد. در آغاز ماه، برای اطمینان دادن به دولت رئیس جمهور پورفیریو لوبوس که از طریق انتخابات غیر قانونی تحت نظارت رژیم کودتا که از پشتیبانی ایالات متحده نیز برخوردار بود به مقام ریاست جمهوری برگزیده شده بود، معاون رئیس جمهور جوزف بایدن را به تگوسیگالپا فرستادند. واشینگتن به شکل قابل ملاحظه ای قراردادهای نظامی را افزایش داد، البته باید دانست که هندوراس میزبان یکی از بزرگترین پایگاه های نظامی امریکا در منطقه می باشد.

در عین حال باید بگوئیم که ارزش های امریکائی یاد شده برای قانونیت بخشیدن به جنگ ها و عملیات بی ثبات سازی در خارج، که قاعدتا باید جهان شمول نیز باشد، در رابطه با خود ایالات متحده نیز کاربرد ندارد. دولت اوپاما اعلام کرد که از این پس حق دارد شهروندان امریکائی را به مدت نامحدودی بی آن که محاکمه شده باشند، در مراکز نظامی حبس کند، و حتی صرفا به این دلیل که رئیس جمهور آنها را به عنوان مظنون به تروریسم دانسته است، اعدام کند. جاسوسی در زندگی شهروندان به شکل فوق العاده ای افزایش داشته و اردوگاه حبس غیر قانونی در گوانتانامو هنوز دایر است. به همان شکلی که تظاهرات جنبش تسخیر وال استریت نشان داد، اعتراض عمومی به حاکمیت سلسله مراتب مالی باخشونت پولیسی روبرو شد.

خسته از حملات بی پایان واشینگتن روی مسأله حقوق بشر، چین خود امریکا را از این دیدگاه زیر علامت سؤال برد، و انتقادات خودش را منتشر کرد و نشان داد که ایالات متحده با جمعیتی معادل میلیون و سیصد هزار نفر در زندان هایش، اشتباهات پولیسی به شکل روزمره، و نفی حقوق حیاتی و بنیادی در سطح اجتماعی و اقتصادی در رابطه با بیکاری، مسکن و بهداشت برای میلیون ها امریکائی بالاترین میزان را در جهان احراز می کند.

آخرین بیانیه های پکن نشان می دهد که: «ایالات متحده از مسائل مشکلات درونی اش در رابطه با موازین حقوق بشر بی اطلاع است، ولی با سخاوتمندی تمام مدعی «دیپلماسی حقوق بشر» است و از حقوق بشر به عنوان ابزار سیاسی و برای مخدوش ساختن چهره ملت های دیگر استفاده می کند تا از منافع ستراتژیک خاص خودش دفاع کند.»

«چنین مواردی کاملا ریاکاری را در اجرای ناعادلانه مفاد حقوق بشر و نیات نادرست نشان می دهد که هدفی به جز دست یابی به برتری به بهانه دفاع از حقوق بشر ندارد.»

استفاده نامناسب از «حقوق بشر» برای کتمان منافع امپریالیسم مخرب ایالات متحده، دعاوی آدولف هیتلر در سال های ۱۹۳۰ را تداعی می کند که می خواست از بی عدالتی هائی که علیه ملت المان انجام می گرفت جلوگیری کند، و یا موسیلینی که مدعی بود که می خواهد علیه «رژیم وحشی» در اتیوپی بجنگد. امروز مانند گذشته، دعاوی ریاکارانه و شرم آور در رابطه با حقوق بشر دفاع از منافع واقعی کارگران سوریه ئی، ایرانی و دیگر کشورهای جهان نیست، ولی برای تدارکات جنگ های نوین به کار می رود که زندگی و خوشبختی میلیون ها انسان را تهدید می کند.

گاهنامه هنر و مبارزه

۵ اپریل ۲۰۱۲

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com>

Mondialisation.ca, Le 3 avril 2012

wsws.org

متن اصلی

, paru le 27 mars 2012 [WSWS](http://wsws.org) Article original,

منبع :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=30110>